

## هویت ملی ایرانیان

• عاطفه فاطمی



■ ایرانیان و هویت ملی
■ رضا شعبانی
■ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۸۴ صفحه

«ایرانیان مردمی باهوش، زیرک، پرتوان و سخت کوشند. چندین هزار سال مقاومت در برابر تندبادهای روان پراستقامتی بدانان داده است. این مردم در آینده نیز خود را خواهند ساخت و توان برعهده‌گیری مسئولیت‌های بزرگ در سطح جهانی را به دست خواهند آورد...». این تعابیر، عبارات پایانی کتابی است که «هویت ملی ایرانیان» را در ابعاد فلسفی، نژادی، فرهنگی، ادبی و اجتماعی به بحث نشسته است.<sup>۱</sup>

نویسنده صاحب‌رای کتاب، در آغازین مبحث خود، براین باور پای فشرده که پیشامد جهانی شدن موجب شد ملاک‌های بدیعی برای ارائه مشخصات انسان‌ها در مقیاس و واحد ملی تعریف شود؛ والا در گذشته تاریخی ایرانیان، تبیین فصولی از این دست مورد انتظار نبوده است. وی معتقد است به گواه واقعیت‌های تاریخی، ایرانیان به‌رغم زیستن تحت لو‌هایی متنوع و پرورش یافتن در دامان خرده‌فرهنگ‌های محیطی و منطقه‌ای، در مسیر حیات جمعی خویش، به نوعی وفاق اجتماعی و همزیستی سیاسی دست یافته‌اند.<sup>۲</sup>

نویسنده، عمده دلیل خویش را برای نگارش کتاب چنین به عبارت می‌کشد: اسلاف مردم کنونی شرق و من‌جمله ایرانیان، به نوبه خود از دغدغه‌های دیگری متأثر بوده‌اند... اینک، اما سرعت وحشتناک ابزارها و اسباب اطلاع‌رسانی است که بی‌ملاحظه توان بازاندیشی یا استقامت ملل کهنسال را به تواتر ثانیه‌ها زمین چرخ می‌زند و احوال و اسرار مکتوم گروه‌ها و طوایف را مکشوف و برملا می‌سازد.<sup>۳</sup> و از رهگذر بی‌مکانی و بی‌زمانی هنجارها و رفتار اجتماعی، همه ملت‌ها و مردمان به چالش طلبیده می‌شوند و از همین روست که ناگزیری پاسداری

از میراث کهن رخ می‌نماید.<sup>۴</sup> در ادامه نخستین مبحث، ابتدا پرسش‌هایی درباره مفاهیم زیر مطرح می‌شود:

هویت تاریخی ایرانیان؛ ویژگی‌های پایدار عنصر ایرانی؛ راز استحاله اقوام مهاجر در ملت ایرانی؛ حدود و ثغور جغرافیایی و فرهنگی ملت ایران؛ اجتماعی بودن یا فلسفی بودن پرسش از ایرانی بودن؛ ریشه‌های اساطیری در بهشت گمشده ایرانیان «اثر ویج»؛ جوهره متافیزیکی انسان ایرانی در برداشت از مفهوم دولت و سهم ایرانیان در تمدن کنونی جهان؛<sup>۵</sup> نویسنده از بطن پرسش‌های سترگی که ذکر آن آمده، فرضیات زیر را استخراج می‌کند و تمام جد و جهد خود را برای به محک گذاردن آنها به کار می‌گیرد:

۱- رقم خوردن کلیت مهمی از تاریخ منطقه وسیعی در غرب، مرکز و جنوب آسیا به نام ایران و تأثیرگذاری پایدار ایرانیان بر اقوام و ملل این منطقه.

۲- قرار گرفتن سرزمین‌های ایران در چهارراه تمدن جهانی و تأثیرگذاری این موقعیت براندیشه و عمل ایرانیان.

۳- قدرت مردان هاضمه فرهنگی ایرانیان در جذب دستاوردهای تمدن و فرهنگی دیگر مناطق عالم و پدید آوردن آثاری با ماهیت «ایرانی».

۴- کمال‌جویی، اعتلاطلبی و نوجویی ایرانیان به واسطه نقش‌آفرینی و سروری ایرانیان در نیمی از عمر دنیای متمدن.

آن‌چه از ملاحظه کتاب آشکار می‌شود، این است که استاد شعبانی برای جان بخشیدن به ایده خویش درباره ریشه‌های تاریخی هویت ایرانیان، که توفیق گشودن افق‌های نوین را

برای فهم این موضوع از آن خود کرده است، از دو عنصر مهم بهره جسته است:

یکم: بینش و بصیرت حاصل از یک عمر ممارست عالمانه با مفاهیم و مضامین تاریخی؛

دوم: بهره‌جویی روشمند از متون و منابع تاریخی برای تألیف کتاب حاضر.

خواننده علاقمند به شنیدن حدیث روح‌انگیز هویت ایرانی، در نخستین فصل کتاب با تعریف هویت از منظر فلسفی این سخن‌نغز و ژرف‌مواجه می‌شود که برای دریافت ویژگی‌های روح ایرانی باید به بارزترین تجلیات آن، یعنی تلقی ایرانیان از دولت، توجه کرد.<sup>۶</sup>

در دیگر بخش کتاب، مباحث مرتبط با هویت ایرانیان از منظر ویژگی‌های نژادی مردمان ساکن در سرزمین‌های ایرانی پی‌گرفته می‌شود. خواننده با مطالعه این بخش، درمی‌یابد که فلات ایران سرزمینی بوده است مهاجرپذیر و قرن‌ها امواج انسانی، شرق تا غرب این دیار را در نوردیده‌اند، آریائی‌ان، ترکان، مغولان و تاتاران از جمله این جماعات هستند، البته آریائی‌ان و ترکان همسایگانی بوده‌اند که بر سر زمین، رقابت‌های پایداری و مغولان و تاتارها ورود ناخوانده خویش را با به خون نشانیدن ساکنان ایران و جنایت‌های بسیار همراه کرده‌اند. واقعه ورود اعراب به ایران، عدم پذیرش مذهب آنان از سوی ایرانیان و پیروی ایرانیان از تشیع نیز، در بخش ویژه‌ای مطرح شده است. نکته واجد اهمیت در این بخش، تیزیابی نویسنده صاحب‌رأی در تبارشناسی دیدگاه‌هایی است که تعمداً بر همزیستی و وفاق اقوام ساکن در ایران چشم‌فرو بسته و بر اختلاف میان آنان پای فشرده‌اند. کسانی چون **سرجان مالکم** نویسنده «تاریخ ایران» **لرد کرزن** مؤلف «ایران و قضیه ایران» و **سرپرسی ساکس**، سلسله‌جماعتی هستند که برای تحقق مطامع و منافع دولت‌های خویش، بر طبل بی‌محتوای جدایی‌های قومی و نژادی کوفته‌اند تا بتوانند به اقتضای منافع خویش، اقوام ایرانی را علیه یکدیگر بشورانند.<sup>۷</sup>

در فصل بعد، که دیدگاه فرهنگی موضوع بحث شده است، در تعریف فرهنگ چنین آمده است: «فرهنگ مجموعه بافت‌های آموخته رفتاری، عقیدتی و ارزشی انسانی [است] که عضو یک گروه اجتماعی است». در ادامه این تعریف، به تعاریف متعدد فرهنگ اشاره و یادآوری می‌شود که خصوصیات چندین هزار ساله ایرانی، که تا قبل از ظهور عصر تجدد پدیدار شده است، عبارتند از:

پیوستگی‌های تاریخی اجزای مدنی؛ توان جاذبه و دافعه؛ قابلیت تطبیق با امور غیر مترقب و تلفیق با وقایع غیرقابل پیش‌بینی؛ ترقی‌خواهی و نوگرایی؛ خصیصه اطاعت از رؤسا و بزرگان قوم؛ اخلاقی ماندن و مذهبی بودن؛ قهرمان دوستی و

جمال‌گرایی؛<sup>۸</sup>

نقش زبان فارسی را در هویت ایرانی نمی‌توان نادیده انگاشت؛ به همین سبب است که مؤلف کتاب، در فصل ویژه‌ای، به جایگاه و اهمیت زبان فارسی در هویت ایرانی پرداخته است. به ریشه‌های هند و اروپایی زبان آریایی، حیات دیرپای آن در این دیار، که با ظهور نام‌آوران بسیاری در عرصه ادب پارسی همراه بوده است، اشاره می‌کند.

نکته مهم دیگر این‌بخش، تموج دو عنصر «حماسه و مذهب» در تجلیات ادبی و روح ایرانی است که شواهدی از آن از با نقل مطالبی از زبان فردوسی، سعدی، سنایی، حافظ و... با عبارتی شیوا و رسا آمده است.<sup>۹</sup>

نویسنده فرهیخته کتاب، دیگر فصل کتاب را «هویت از منظر روابط مبتنی بر ادغام‌پذیری اجتماعی» نام نهاده و اصلی‌ترین سخنان خویش را در همین فصل بیان کرده است. وی با این باور این فصل را آراسته است که ایرانیان با سه عنصر نژاد، سنت و دولت منبعث از آن دو، «ملت» بودن خویش را به زیبایی تمام در عرصه تاریخ بلند خود متجلی کرده‌اند.

در این مبحث، اشارت رفته است که جدای از دولت‌های بومی همانند ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، بیگانگانی چون اعراب، ترکان، مغولان، تاتاران و ترکمانان فعال در عرصه سیاست این سرزمین، همه و همه در همان کالبد ایرانی دولت، که منبعث از اختصاصات فرهنگی، اعتقادی و تاریخی ایرانیان بوده است، فرمانروایی کرده‌اند و به نحو حیرت‌آوری سعی بر یگانگی تاریخی با پیشینیان قدرتمند خود و برجای نهادن نیک‌نامی ایرانی برای خویش داشته‌اند.<sup>۱۰</sup>

در ادامه این سخنان، به تفصیل عواملی که موجب شده است این ویژگی پایدار تلقی از دولت نزد ایرانیان پدیدار گردد، در قالب مباحث زیر آمده است:

عوامل ناشی از قرارداد اجتماعی؛ عوامل ناشی از محیط زیست؛ عوامل خارجی و عوامل ناشی از حرکات مردمی.

دولتی که حاصل فعال شدن این عوامل باشد، به طور طبیعی در تأمین هویت ملی نقش‌آفرین خواهد بود و به همین سبب است که دیگر باب کتاب، به نقش دولت‌ها و حکومت‌ها در تأمین هویت ملی اختصاص یافته است. در این فصل، برای شکل‌گیری حکومت و دولت، وجود عناصری چون حکومت‌شوندگان یا مردم، سرزمین یا «واحد سیاسی» و همچنین وجود قواعد و مقرراتی که تنظیم‌کننده روابط باشد، ضروری شمرده است و به اتکای بررسی منابع ادبی و تاریخی، انتظارات جریان‌یافته در تاریخ از دولت حاکم، که ناشی از اقتضات هویت سیاسی ایرانیان است، به شرح زیر برشمرده شده است:

حافظ منافع اکثریت مردم؛ تنظیم‌کننده قواعد مانع از هدر

رفتن منابع ملی؛ کادرسازی برای اداره امور؛ ترقی طلبی و پیشرو بودن در هر دوره؛ عدالت‌جویی و پابندی به آن؛ حفظ نظم در داخل و تهیه توش و توان برای مقابله با بیگانه؛ پابندی به دین و اخلاق؛ رعایت سنن و آداب ملی؛ سخن گفتن و فرمان راندن به زبان پارسی؛ افزایش ثروت ملی؛ رعایت درخواست‌های دراز مدت عمومی؛ تقویت نیروی فعال و تضعیف سودجویان فرصت‌طلب؛ برقراری توازن و تعادل میان معنویات و مادیات و جلوه‌گری خلیقات و خصوصیات شریف‌ترین کسان در حکومت.

در توضیح موارد بالا، عمده‌ترین عواملی که معرفت هويت ملی دولت حاکم بر ایران بوده است، چنین برشمرده شده است: ایران، گرانگاه تحولات تاریخی منطقه؛ پاسداری از حریم جغرافیایی و سرزمینی ایران و جلوگیری از هجوم نیروهای بیگانه؛ بسط کشاورزی و تدارک اسباب معاش ساکنان ایران از طریق تأسیس قنات‌ها و پدید آوردن نهرهای منشعب از رودها؛ ایجاد تعادل بین یکجانشینان و قبائل کوچ رو؛ حمایت از اهل حرف و صاحبان صنعت و هنر؛ پناه دادن به اهل علم و ادب و فرهنگ؛ تقید به دیانت و اخلاق؛ ایرانی بودن یا ایرانی شدن؛ ایجاد تعادل در عرصه بین‌المللی و حفظ موقعیت ایران؛ فهم درست از اقتضائات بومی و منطقه‌ای هر نقطه از فلات ایران با انجام اقداماتی همانند ایجاد ابواب پرو سازمان عام‌المنفعه، اعمال تخفیف‌های مالیاتی و همچنین کمک مستقیم از خزانه به بلاد؛ برکشیدن خاندان‌های معتبر به عنوان حاکم محلی؛ حفظ و حراست از نظام اداری و دیوانی، به‌رغم تغییر و تعویض سلسله‌ها و حکام؛ متجلی کردن حاکم و سلطان به عنوان مرکز قدرت و قوت سیاسی و...

لازم به توضیح است که نویسنده وضعیت بالا را تجلی آرمانی، اما واقع‌بینانه دولت و حکومت در دل و دماغ ایرانی می‌داند و بارها متذکر می‌شود که تلقی از دولت به شکل یادشده، به‌رغم خاطرات تلخ از همه آلامی است که بسیاری از حکام جور در ذهن ایرانی به جای گذرانده‌اند، گرچه ایشان نیز به لطایف‌الحیل سعی کرده‌اند خود را با این تلقی‌های رایج همسان و همراه و در زمره مصادیق آن نشان دهند.<sup>۱۱</sup>

در فصلی که نویسنده به «اختصاصات عمده حکمرانان ایران» مختص کرده است، ابتدا از نگاه «هرودت» و «گزنفون» به موضوع فردیت پرداخته و در ادامه به وجود فردیت، مطلق‌گرایی، استبداد و خودمحوری نزد حکام صحنه گذارده است. به‌رغم این موضوع، وجود سلامت جسمی، سلامت روانی، داشتن سن بلوغ و برخورداری از وراثت و عنصر خون، داشتن فر ایزدی، اعتقاد به آیین رسمی، علم و آگاهی، برخورداری از قوه نظامی‌گری، رعایت و... برای حاکم ضروری شمرده شده است. نویسنده این ویژگی‌ها را با تکیه بر دیدگاه‌های کسانی

چون خواجه نظام‌الملک و فردوسی به تصویر کشیده است در دیگر بخش‌های این فصل، به مباحثی چون نوع حکومت، روابط حکومت با اقشار مختلف اجتماعی و... به تفصیل پرداخته شده است.

واپسین فصل کتاب به مباحث مرتبط با هویت ایرانی در روزگار معاصر اختصاص دارد، در این فصل، ابتدا تعاریف مرتبط با عصر تجدد و مدرنیته بیان و از پرسشگری مدام انسان از هویت خویش سخن به میان آمده است و دیگر بار به ابعاد روانی، فرهنگی، اجتماعی این مهم اشارت رفته و یادآوری شده است که در شرایط حاضر، برای پاسداشت هویت خویش بایستی به موارد زیر توجه کرد:

- آگاهی به شرایط پیچیده جهان امروز
- حمایت از اعتقاداتی که تداوم بخش هویت ایرانی است.
- معرفی مهربانی، خوش‌قلبی و خلاقیت ایرانیان به دیگران.
- وجود وجدان نوکننده نظام پویای سیاسی؛
- به‌ظهور رساندن صلح‌جویی و همزیستی مسالمت‌آمیز جاری در تاریخ ایران برای همه جهانیان.
- گرچه نوشتار حاضر از کوتاه سخن مرسوم در باب معرفی یک کتاب فراتر رفت، اما این کتاب توفیق خویش را برای معرفی عناصر شکل‌دهنده هویت ایرانی از نگاه یک مورخ، آن چنان به رخ می‌کشد که نوشته‌ای جز این نیز نمی‌توانست پدید آید.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. شعبانی، رضا؛ ایرانیان و هویت ملی؛ تهران، نشر دانشگاهی؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۶؛ ص ۱.
۲. همان؛ ص ۱۴.
۳. همان؛ ص ۱۴.
۴. همان؛ ص ۱۵.
۵. همان؛ ص ۱۷.
۶. همان؛ صص ۲۳ - ۲۸.
۷. همان؛ صص ۲۹ - ۷۰.
۸. همان؛ صص ۷۱ - ۱۱۴.
۹. همان؛ صص ۱۱۵ - ۱۴۰.
۱۰. همان؛ ص ۱۴۳.
۱۱. همان؛ صص ۱۶۵ - ۱۹۴.